



نام و نام خانوادگی:

زمان برگزاری:

نام آزمون: تست درس دوم سوال

تاریخ آزمون:



تیام خزاعی

۱ شاعر در همه ی بیت ها به جز بیت به بی عدالتی و وضع نابسامان دستگاه حکومت اشاره کرده است؟

- ۱ گفت: نزدیک است والی را سرای آنجا رویم
- ۲ گفت: آگه نیستی کز سر در افتادت کلاه
- ۳ گفت: مستی زان سبب افتادن و خیزان می روی
- ۴ گفت: می باید تو را تا خانه ی قاضی برم
- گفت: والی از کجا در خانه ی خمار نیست
- گفت: در سر عقل باید بی کلاهی عار نیست
- گفت: جرم راه رفتن نیست، ره هموار نیست
- گفت: رو صبح آی قاضی نیمه شب بیدار نیست

۲ معنای چند واژه در کمانک روبه روی آن درست نیامده است؟

پوبیدن (تلاش)، غرامت (شکست خوردن)، دینار (مسکوک نقره)، قسیم (صاحب نشان پیامبری)، دجی (تاریکی‌ها)، عصاره (عسل خالص)، قدوم (گام‌ها)، جزا (پاداش)، حيله (زیور)، اعراض (زاری کردن)

- ۱ چهار
- ۲ پنج
- ۳ شش
- ۴ هشت

۳ واژه «مدام» در کدام گزینه، ایهام ندارد؟

- ۱ با محتسبم عیب مگوئید که او نیز
- ۲ عشق بازی و جوانی و شراب لعل فام
- ۳ مدامم مست می دارد نسیم جعد گیسویت
- ۴ ما در پیاله عکس رخ یار دیده‌ایم
- پیوسته چو ما در طلب عیش مدام است
- مجلس انس و حریف همدم و شرب مدام
- خرابم می کند هر دم فریب چشم جادویت
- ای بی خیر ز لذت شرب مدام ما

۴ به ترتیب چند قید و چند متمم در بیت زیر به کار رفته است؟

- ۱ دو قید و سه متمم
- ۲ یک قید و سه متمم
- ۳ دو قید و دو متمم
- ۴ یک قید و چهار متمم
- با محتسبم عیب مگوئید که او نیز
- پیوسته چو ما در طلب عیش مدام است

۵ مفهوم کدام بیت در مقابل آن «غلط» آمده است؟

- ۱ صنمی لشکریم غارت دل کرد و برفت
- ۲ اگر ز مردم هشیاری ای نصیحت گو
- ۳ چرخ برهم زرم ار غیر مرادم گردد
- ۴ حدیث عشق که از حرف و صوت مستغنی است
- آه اگر عاطفت شاه نگیرد دستم (طلب دادخواهی)
- سخن به خاک میفکن چرا که من مستم (مستی و راستی)
- من نه آنم که زبونی کشم از چرخ فلک (بلند نظری)
- به ناله دف و نی در خروش و ولوله بود (آوازه محبت)

۶ بیت «گر حکم شود که مست گیرند / در شهر هر آن چه هست گیرند» با کدام گزینه، قرابت مفهومی بیشتری دارد؟

- ۱ گفت مستی زان سبب افتان و خیزان می روی
- ۲ گفت نزدیک است والی را سرای آنجا شویم
- ۳ گفت می بسیار خوردی زان چنین بی خود شدی
- ۴ گفت آگه نیستی کز سر در افتادت کلاه
- گفت جرم راه رفتن نیست ره هموار نیست
- گفت والی از کجا در خانه خمار نیست
- گفت ای بیهوده گو حرف کم و بسیار نیست
- گفت در سر عقل باید بی کلاهی عار نیست

۷ پیام کلی کدام بیت در مقابل آن، نادرست است؟

- ۱ گفت مستی زان سبب افتان و خیزان می روی / گفت جرم راه رفتن نیست ره هموار نیست (نابسامانی اوضاع جامعه)
- ۲ گفت نزدیک است والی را سرای آنجا شویم / گفت والی از کجا در خانه خمار نیست (فاسد بودن مسؤولان جامعه)
- ۳ گفت از بهر غرامت جامهات بیرون کنم / گفت پوسیده است جز نقشی ز پود و تار نیست (بی توجهی به سر و وضع ظاهری)
- ۴ گفت دیناری بده پنهان و خود را وارهان / گفت کار شرع کار درهم و دینار نیست (رشوه خواری در جامعه)



۸ در بیت «گفت: می بسیار خوردی، زان چنین بی خود شدی» / گفت: «ای بیهوده گو، حرف کم و بسیار نیست» چرا مست، محتسب را بیهوده گو می خواند؟

(آزاد - ۸۰)

- ۱ چون محتسب تصوّر می کند، مست، بسیار نوشیده است.
 ۲ چون مست از نوشیدن می بیهوش و بی اختیار نشده است.
 ۳ چون مست، محتسب را می خواره می داند پس سخنش را باطل می نامد.
 ۴ چون محتسب توجه ندارد که در اسلام نوشیدن می به هر اندازه حرام است.

۹ مفهوم مصراع گفت «دیناری بده پنهان و خود را وارهان» به کدام پدیده ی مذموم اجتماعی دلالت دارد؟

(آزادبان - ۸۲)

- ۱ اختلاس
 ۲ رشوه خواری
 ۳ ربا خواری
 ۴ دغل کاری

۱۰ نقش ضمیر «ت» در کدام مصراع متفاوت است؟

- ۱ گر نور عشق حق به دل و جان او فتد
 ۲ گر در سرت هوای وصال است حافظا
 ۳ خواب و خورت ز مرتبه خویشت دور کرد
 ۴ وجه خدا اگر شودت منظر نظر

۱۱ مفهوم کدام بیت متفاوت است؟

- ۱ مراد از کیمیا اکسیر عشق است
 ۲ مس وجود تو تا عاقلی نگردد ز
 ۳ من کرده ام طلا به ولایت مس وجود
 ۴ جز قلب تیره هیچ نشد حاصل و هنوز
 ۱ که اکسیر وجود اکسیر عشق است
 ۲ به عشق دل ده و اکسیر را تماشا کن
 ۳ ای مدعی بیا و ببین کیمیاگری
 ۴ باطل در این خیال که اکسیر می کنند

۱۲ کدام مصراع به شیوه بلاغی نیست؟

- ۱ آن گه رسی به خویشت که بی خواب و خور شوی
 ۲ با الله کز آفتاب فلک خوب تر شوی
 ۳ وجه خدا اگر شودت منظر نظر
 ۴ در دل مدار هیچ که زیر و زبر شوی

۱۳ کاربرد حرف «تا» در کدام بیت متفاوت است؟

- ۱ ای بی خبر بکوش که صاحب خبر شوی
 ۲ دست از مس وجود چو مردان ره بشوی
 ۳ از پای تا سرت همه نور خدا شود
 ۴ بخور تا توانی به بازوی خویشت
 ۱ تا راهرو نباشی کی راهبر شوی؟
 ۲ تا کیمیای عشق بیایی و زر شوی
 ۳ در راه ذوالجلال چو بی پا و سر شوی
 ۴ که سعیت بود در ترازوی خویشت

۱۴ جمله ساده فقط در گزینه دیده می شود.

- ۱ محتسب مستی به ره دید و گریانش گرفت.
 ۲ گفت از بهر غرامت جامه ات بیرون کنم.
 ۳ گفت کار شرع کار درهم و دینار نیست.
 ۴ گفت مسجد خوابگاه مردم بدکار نیست.

۱۵ کدام گزینه، ارتباط مفهومی کمتری با بیت زیر دارد؟

- «واعظان کاین جلوه در محراب و منبر می کنند
 چون به خلوت می روند آن کار دیگر می کنند»
 ۱ گفت نزدیک است والی را سرای آن جا شویم
 ۲ می خور که شیخ و حافظ و مفتی و محتسب
 ۳ گفت دیناری بده پنهان و خود را وارهان
 ۴ گفت می بسیار خوردی زان چنین بی خود شدی
 ۱ گفت والی از کجا در خانه خمار نیست
 ۲ چون نیک بنگری همه تزویر می کنند
 ۳ گفت کار شرع کار درهم و دینار نیست
 ۴ گفت ای بیهوده گو حرف کم و بسیار نیست

۱۶ در مناجات سنایی مصراع های: «۱، ۲، ۴، ۶، ۸، ۱۰، ۱۲، ۱۴» هم قافیه اند، قالب شعری آن چیست؟

- ۱ قصیده
 ۲ غزل
 ۳ قطعه
 ۴ مثنوی

۱۷ نقش دستوری «مسند» در کدام مصراع وجود ندارد؟

- ۱ یک دم غریق بحر خدا شو گمان مبر
 ۲ دست از مس وجود چو مردان ره بشوی
 ۳ وجه خدا اگر شودت منظر نظر
 ۴ ای بی خبر بکوش که صاحب خبر شوی



۱۸) منادا در کدام بیت دیده نمی‌شود؟

- ۱) ای بی‌خبر بکوش که صاحب‌خبر شوی
 ۲) در مکتب حقایق بیش ادیب عشق
 ۳) گر در سرت هوای وصال است حافظا
 ۴) وجه خدا اگر شودت منظر نظر
- تا راهرو نباشی کی راهبر شوی؟
 هان ای پسر بکوش که روزی پدر شوی
 باید که خاک درگه اهل هنر شوی
 زین پس شکی نماند که صاحب‌نظر شوی

۱۹) شیوه بلاغی فقط در مصراع دیده می‌شود.

- ۱) گفت تا داروغه را گوئیم در مسجد بخواب
 ۲) گفت رو صبح آی قاضی نیمه شب بیدار نیست
 ۳) گفت آگه نیستی کز سر در افتادت کلاه
 ۴) گفت جرم راه رفتن نیست ره هموار نیست

۲۰) مفاهیم «پشت پا زدن به دنیا، صداقت، بی‌قراری عاشق، توصیه به فروتنی» به ترتیب، از کدام ابیات دریافت می‌شود؟

- الف) هر سر موی حواس من به راهی می‌رود
 ب) رو نگه داشتن از صاف ضمیران مطلب
 ج) تا دلت سرد ز اسباب تعلق نشود
 د) بی‌تزلزل نیست هر کس چون علم‌استاده است
- تا به آن زلف پریشانم نگاه افتاده است
 عیب پوشیدن از آینه‌ی عریان مطلب
 آتش از کوچی‌ی ما خانه به دوشان مطلب
 عشرت روی زمین از مردم افتاده است
- ۱) الف، ب، د، ج
 ۲) الف، ج، د، ب
 ۳) ج، الف، د، ب
 ۴) ج، ب، الف، د